

Post-positivism as Research Approach in the Public Law

Abstract

Post-positivism is a contemporary philosophical idea and has emerged with the influence of the criticisms of positivism. This concept is a part of the research methodology. The question is this: Does post-positivism have the potential to propose a research approach in public law? This article is fundamental research, and the descriptive-analytical method has also been used for data analysis. Based on the findings of this article, First; most legal research does not take the research methodology seriously however, the validity of knowledge requires researchers to define the ruling paradigms of the research. If the researcher does not pay attention to this issue, the research output will not have scientific validity. Secondly; every knowledge cannot be considered as scientific knowledge. Correct scientific knowledge is subject to philosophical paradigms, which if not paid attention to, the output of the research will not have scientific validity. Thirdly; Post-positivism as a research approach can be extended to the knowledge of public law. Fourthly; this way of thinking enables public law researchers to adhere to descriptive and historical research methods (as contextual knowledge) in addition to using statistical techniques.

Keywords: “Methodology”, “Research Methods”, “Positivism and Post-Positivism”, “Philosophy of law,” “Public Law.”

پُست-پوزیتویسم به مثابه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی

چکیده

پُست-پوزیتویسم به مثابه یکی از نحله‌های فکری-فلسفی معاصر، با اثرپذیری از انتقادات وارده به پوزیتویسم شکل گرفته است. این نحله فکری در سطح متدلوژی تحقیق قابل طرح است. سوال این است: آیا پست-پوزیتویسم می‌تواند به مثابه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی ظاهر شود؟ این پژوهش به لحاظ هدف بنیادی بوده و از لحاظ جمع‌آوری اسناد، کتابخانه‌ای می‌باشد. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. بر مبنای یافته‌های این مقاله، اولاً؛ کمتر پژوهشی را در جامعه علمی فارسی زبان سراغ داریم که به متدلوژی پژوهش توجه نموده و ذیل آن، روش تحقیق را تعریف نماید. این در حالیست شناخت علمی شایسته می‌طلبد که پژوهشگران تکلیف خود را با مکاتب فلسفی و پارادایم‌ها مشخص نموده و ذیل آن، روش پژوهشی خود را توضیح دهند. ثانیاً؛ هر شناختی را نمی‌توان شناخت علمی تلقی نمود، شناخت علمی درست، تابع پارادایم‌های فلسفی است که در صورت عدم توجه به آن، خروجی پژوهش، اعتبار علمی نخواهد داشت. ثالثاً؛ پست-پوزیتویسم به مثابه یک رهیافت پژوهشی، به دانش حقوق عمومی قابل تعمیم است. رابعاً؛ این نحله فکری، پژوهشگران حقوق عمومی را قادر می‌سازد تا در کنار استفاده از تکنیک‌های آماری به روش تحقیق توصیفی و تاریخی (به مثابه شناخت زمینه‌ای) تمسک بجویند.

کلیدواژه‌ها: "متدلوژی"، "روش تحقیق"، "پوزیتویسم و پست-پوزیتویسم"، "فلسفه حقوق"، "حقوق عمومی".

مقدمه

مکاتب فکری-فلسفی در دانش حقوق از چند جهت مهم می‌باشد: نخست اینکه مکاتب فلسفی با ارائه پارادایم‌ها برای شناخت شایسته علمی کمک می‌کنند. ثانیاً دانش حقوق با فلسفه، پیوند ناگسستنی داشته و حتی می‌توان گفت که وجه کارکردی برخی آرای فلسفی، حقوق عمومی می‌باشد. اما در اثر جدی نگرفتن این موضوع، دانش حقوق در جامعه ما دچار بحران بسیار جدی شده و خروجی پژوهش‌های جامعه علمی ما جایگاه بایسته‌ای در چرخه تولید دانش ندارند. بی‌شک یکی از دلایل جدی این گمراهی، ریشه در جدی نگرفتن مکاتب فکری-فلسفی دارد. از نظر آماری در ساحت حقوق، همه ساله انبوهی از مقالات عرضه می‌شود. اما از آنجایی که اکثریت مطلق آنها از منظر متدلوژی قوی نیستند، چه در مقیاس جهانی و چه در چرخه تولید دانش، جدی گرفته نمی‌شوند.

در اثر خلا یادشده کمتر پژوهشی را سراغ داریم که از توضیح متدلوژی آغاز و سپس به توضیح روش تحقیق پرداخته باشد. حال آنکه علوم انسانی به طور عام و روش‌شناسی پژوهش به طور خاص می‌طلبد که قبل از ورود به روش تحقیق، لایه فلسفی-متدلوژیک پژوهش، توضیح داده شود. چرا که توضیح متدلوژی، پارادایم‌های رسیدن به شناخت علمی را مشخص نموده و پژوهش را از مسیر شبه علم دور می‌سازد.

پُست-پوزیتویسم به مثابه یکی از مکاتب فکری-فلسفی به دنبال ارائه پارادایم شناخت علمی در علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد. این مکتب نسخه بازسازی شده پوزیتویسم بوده و در آن بسیاری از انگاره‌های پوزیتویسم سنتی کنار گذاشته شده است. در ادامه خواهیم دید که تفاوت اساسی پست-پوزیتویسم با پوزیتویسم در این است که پست-پوزیتویسم، تئوری و شناخت علمی را تابع ارزش‌ها، زمینه و زمانه می‌داند و همچنین برخلاف پوزیتویست‌ها شناخت تاریخی را به مثابه شناخت زمینه‌ای می‌پذیرد.

پرداختن به پُست-پوزیتویسم برای حقوق عمومی از دو جهت مهم است: اولاً این مکتب می‌تواند مسیر تازه‌ای را برای مطالعات حقوق عمومی باز کند. ثانیاً با نگاه از عینک پست-پوزیتویسم، حقوقدانان از نگاه پوزیتویستی کلاسیک دور شده و حقوق را در دل زمان و مکان بررسی کنند. اگر بتوان پست-پوزیتویسم را نسخه توسعه‌یافته پوزیتویسم پنداشت، پرسش‌های بسیار جدی، پیش‌روی پژوهشگران حقوق عمومی قرار خواهد گرفت. از جمله اینکه آیا پست-پوزیتویسم همانند سلف خود در توسعه دانش حقوق نقش آفرینی خواهد

نمود؟ با این حال، مهمترین پرسش این است که آیا پست-پوزیتویسم می‌تواند به مثابه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی ظاهر شود؟ فرضیه پژوهش؛ با توجه به ضرورت بومی‌سازی دانش حقوق عمومی و نگاه کثرت‌گرایانه به مفاهیم، بنظر می‌رسد پست-پوزیتویسم می‌تواند به مثابه رهیافت پژوهشی جدید در دانش حقوق عمومی ظاهر گردد. این پژوهش به لحاظ هدف بنیادی بوده و از منظر جمع‌آوری اسناد، کتابخانه‌ای می‌باشد. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد شد. در زمینه پیشینه پژوهش، باید گفت که پیرامون پژوهش‌های پست-پوزیتویستی در دانش حقوق عمومی، مطالعات مکفی انجام نشده و نوشته‌های انگشت شمار در زبان فارسی، در زمینه‌های دانشی دیگر، به رشته تحریر درآمده‌اند. مقالاتی چون: «چرخش به سوی پست پوزیتویسم»، «معرفی چارچوبی جدید برای معرفت‌شناسی آینده پژوهشی» و «روشناسی اثباتی در مطالعات امنیتی» در جامعه علمی فارسی زبان در دسترس‌اند، اما هیچ یک از آنها به نقش آفرینی پست-پوزیتویسم در مطالعات حقوق عمومی نپرداخته است.

۱- تفاوت متدولوژی با روش تحقیق

متدولوژی موضوع مهم در فلسفه پژوهش بوده و با روش تحقیق تفاوت‌های اساسی دارد. اما در جامعه علمی فارسی‌زبان، خلط مفهومی این دو به چشم می‌خورد.^۱ روش تحقیق به تکنیک‌ها و مراحل پژوهش تأکید دارد. اما متدولوژی به ماهیت دانش پرداخته و توضیح می‌دهد که چه چیزی باید به عنوان معرفت عملی پذیرفته شود. گرچه هر دو شاخه‌های علوم معاصر هستند؛ اما متدولوژی آن شاخه‌ای از دانش است که به اصول کلی یا بنیادهای دانش می‌پردازد. به عبارت ساده‌تر، متدولوژی به این موضوع می‌پردازد که چه منطقی (چه واقعیت-هایی) بر بنیادهای یک معرفت علمی قرار دارد؟ استوانه‌های یک معرفت چیست؟ حال آنکه روش تحقیق تکنیک‌ها و ترفندهای انجام پژوهش را توضیح و تبیین می‌کند. به عنوان مثال نمونه‌برداری، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها و گزارش پژوهش، چارچوب‌های مفهومی و مدل‌ها، موضوعات مهم روش تحقیق‌اند. در حالی که در متدولوژی،

^۱ سعید ناجی، «نقدی بر آموزش روش تحقیق در نظام آموزشی کشور»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، (۱۳۸۵)، ص ۱۳۷.

مکاتب فکری-فلسفی، فضای فکری حاکم در انجام پژوهش و پارادایم‌های پژوهش موضوعات اصلی هستند.^۱

متدلوژی بر ماهیت و روش پژوهش اثر مستقیم داشته و در لایه فلسفی تحقیق، قابل طرح است. به این معنی که پژوهشگران با تعریف متدلوژی مشخص کنند که از کدام زاویه به مسایل نگاه می‌کنند و چه پارادایمی برای رسیدن به شناخت علمی مدنظرش حاکم است. همین ترسیم زاویه است که به‌عنوان دروازه ورود به موضوع توسط متدلوژی مشخص می‌شود. من باب مثال اگر نگارنده در متدلوژی، پارادایم پوزیتویسم را انتخاب کند، روش پژوهش لزوماً در یکی از این قالب‌ها ظاهر خواهد شد: ۱-روش تجربی^۲، ۲-روش شبه-تجربی^۳، ۳-روش همبستگی^۴، ۴-روش مقایسه‌ای علی^۵، و ۵-روش تحقیق پیمایشی^۶. اما اگر پژوهشگر در متدلوژی، پارادایم تفسیری را انتخاب کند، روش پژوهش در یکی از قالب‌های زیر ظاهر خواهد شد:

۱-روش مطالعه موردی^۷، ۲-روش نظریه زمینه‌ای^۸، ۳-روش پدیدارشناسی^۹، و ۴-روش هرمنوتیک^{۱۰}.^{۱۱} دیده می‌شود که پارادایم پوزیتویستی بیشتر به استفاده از روش‌های کمی منتهی می‌شود، در حالی که پیروی از پارادایم تفسیری به روش‌های کیفی منتهی می‌شود. از

¹ Sue L.T. McGregor & Jennifer A. Murnane, "Paradigm, Methodology and Method: Intellectual Integrity in Consumer Scholarship", *International Journal of Consumer Studies*, 34(4), (2010) Pp 419-420.

² Experimental

³ Quasi-Experimental

⁴ Correlational

⁵ Causal Comparative

⁶ Survey Research

⁷ Case Study

⁸ Grounded Theory

⁹ Phenomenology

¹⁰ Hermeneutics

¹¹ Charles Kivunja & Ahmed Bawa Kuyini, "Understanding and Applying Research Paradigms in Educational Contexts", *International Journal of Higher Education*, 6(5), (2017) P 37.

نظر چلیسا و کاوالیج نخستین کاری که در تعریف متدلوژی انجام می‌شود انتخاب پارادایم پژوهش است.^۱

نکته دیگر اینکه حقوق عمومی در ایران درگیر مفاهیم انتزاعی و ذهنی است که اثبات آنها در جهان پدیدار غیر ممکن است. جدی گرفتن متدلوژی در حقوق عمومی، این دانش را از مفاهیم غیر صوری و غیر تجربی دور و به اصالت خودش نزدیک خواهد نمود.

۲- پوزیتویسم

مفهوم پوزیتویسم به مثابه یک نحله فکری، در قرن نوزدهم بروز و ظهور پیدا کرده است. اما نشانه‌های اندیشه‌های پوزیتویستی حتی در فلاسفه یونان قدیم نیز دیده می‌شود. از نظر جوزف ماریا بوچنسکی^۲ کسانی که در مباحث جدلی نخست به متدلوژی پرداخته و جدی بودن سوالات را مورد بررسی قرار می‌دهند، به نحوی پوزیتویست‌اند. از این منظر، ارسطو در برابر افلاطون، انگلس در برابر کلاسیک‌های عصر خودش، پوزیتویست بوده‌اند. حتی در مباحث هگل نیز نشانه‌های آرای پوزیتویستی دیده می‌شود.^۳ با این حال به نظر می‌رسد ریشه‌های نخستین پوزیتویسم در سنت غرب را باید در جهان سوفیست‌ها جستجو کرد؛ آن لحظه‌ای که آنها برای جدال با رقبای خود در جامعه یونان باستان، برای موجه‌سازی رژیم سیاسی دموکراسی در برابر سایر حکومتها، به قانونگذاری توسط بشر متمرکز شدند.^۴

ریشه‌های موخر نحله فکری پوزیتویسم به آرای متفکران مدرن، بویژه دیوید هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱) برمی‌گردد. در واقع او به این مفهوم اساس ایستمولوژیک داد. هیوم تلاش نمود با طرح تجربه‌گرایی، نظریات انتزاعی را نقد نموده و تجربه‌گرایی را اساس اندیشه‌ها لحاظ

¹ Bagele Chilisa & Barbara Kawulich, "Selecting a Research Approach: Paradigm, Methodology and Methods" *Doing Social Research: a Global Context*, 5(1), (2012) Pp 52-53.

² Józef Maria Bocheński

³ Wolfhard F. Boeselager, *The Soviet Critique of neopositivism. in the Soviet Critique of Neopositivism*, eds J. M. Bochenski, (Dordrecht: Springer, 1975) P 5.

⁴ آیت مولائی، جزوه درس بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی، مقطع دکتری رشته حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، (۱۴۰۰)، ص ۳۴.

کند.^۱ اما مفهوم پوزیتویسم در اندام یک نحله فکری-فلسفی، برای نخستین بار توسط اگوست کنت^۲ (۱۸۵۷-۱۷۹۸) پایه‌گذاری شد. این متفکر فرانسوی بدین باور بود که معرفت مراحل سه‌گانه را پشت‌گذاشته است: یک) مرحله شناخت تئولوژیک، دو) مرحله شناخت متافیزیکی، و سه) مرحله شناخت علمی یا پوزیتویستی. فرآیند روبه‌رشد این مراحل شناخت علمی نشان می‌دهد که شناخت دینی و متافیزیکی هم‌تراز و یا در سطح شناخت علمی نبوده و در برابر آن قابل تأیید نیستند.^۳ مهمترین نظریه‌پردازان پوزیتویستی بعدی اینهایم (۱۹۱۹-۱۸۵۸)، آنزیلوتی (۱۹۵۰-۱۸۶۷)، آگو (۱۹۵۵-۱۹۰۷)، هانس کلسن (۱۹۷۳-۱۸۸۱) و هربرت هارت (۱۹۹۲-۱۹۰۷) بودند که در گسترش و تسلط این معرفت نقش زیادی داشتند.^۴ در مقام بیان، مهمترین ویژگی‌های پوزیتویسم کلاسیک از این قرار است:

- ۱- پوزیتویسم کلاسیک می‌خواست متدلوژی علوم طبیعی را در علوم اجتماعی اعمال کند. آنها اصطلاح فیزیک اجتماعی را مطرح نمودند و ذیل آن، در تلاش بودند جامعه را به همان سیاق مطالعه کنند. همچنین بر مبنای چنین رویکردی قوانین را نیز برای آینده پیشنهاد کنند.^۵
- ۲- محدود شدن فلسفه؛^۶ پوزیتویست‌های کلاسیک می‌خواهند برخی از مباحث فلسفی چون متافیزیک را رد و یا برخی دیگر را با استفاده از روش علمی معاصر محدود کنند.^۷ آنها استدلال می‌کنند که علوم طبیعی و علوم اجتماعی در مسیر انتقادی و

¹ Boeselager. Op. cit. at 7.

² Auguste Comte's

³ Katherine Miller, "Common Ground from the Post-positivist Perspective. Perspectives on Organizational Communication: Finding Common Ground", (2000), P 49.

⁴ آرامش شهبازی، فلسفه حقوق بین‌الملل، دفتر یکم: پوزیتویسم، چاپ اول (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۵) صص ۱۸۳-۱۲۶.

⁵ Ibid. at 50.

⁶ درست است که در پوزیتویسم کلاسیک تلاش شده تا فلسفه محدود شود. اما نباید پوزیتویسم را بحث فرافلسفی و یا متفاوت از سایر اندیشه‌های فلسفی فرض شود. این نحله فکری نیز همانند سایر آرای فلسفی بوده که اثرات بسیار جدی بازتعریف معرفت و فلسفه داشته است.

⁷ Boeselager, op. cit. at 10.

خودآزمایی قرار گرفته است، در حالیکه فلسفه در مسیری جزمی گرایانه گام برداشته و برخی موضوعات آن، روی گمانه‌زنی‌ها بنا نهاده شده است.^۱

۳- پوزیتیویست‌های کلاسیک به تجربه‌گرایی تأکید نموده و موضوعات غیر تجربی را منبع شناخت علمی نمی‌دانند.^۲ از نظر آنها، تئوری درست، مستلزم تطابق با واقعیت است. در نتیجه چنین گرایشی به تجربه‌گرایی، ابطال‌پذیری و ارزیابی به دور از ارزش‌گذاری تأکید می‌شود.^۳

۴- پوزیتیویست‌های کلاسیک فکت‌ها را جهانی تلقی و تجربه یک جامعه را بر دیگری قابل اعمال می‌دانند.^۴

۵- پوزیتیویست‌ها برخلاف طرفداران حقوق طبیعی که بر روش قیاسی در حقوق متمرکز بودند؛ به روش استقرایی در حقوق تمرکز دارند.^۵

ناگفته نماند که پوزیتیویسم به مثابه یک نحله فکری در جوامع اروپایی به طور عام و در انقلاب‌های اروپای غربی به طور خاص نقش و تأثیرگذاری بسیار جدی داشت.^۶ اما در لایه نظر، توسط دانشمندانی چون هربرت اسپنسر نقد و دچار استحاله درونی شده است. پوزیتیویسم کلاسیک با اثرپذیری از انتقادات وارده در اندام پوزیتیویسم منطقی^۷، بازسازی

¹ Ibid. at 6-7.

² Nick Fox, "Post-positivism", the SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods 2, Pp 659-66, (2008) P 659.

³ Hamati-Ataya Inanna, "Beyond Post/Positivism: The Missed Promises of Systemic Pragmatism", International Studies Quarterly, 56(2), (2012), 8.

⁴ Boeselager, W. F, op. cit. at 9.

⁵ البته این ویژگی با یونیورسال‌انگاری طبیعت‌گرایان متفاوت است. در پوزیتیویسم، جهانی‌انگاری فکت‌ها به اجرایی نمودن تجربیات جوامع محدود شده و می‌توان تجربه جامعه‌ای را بر دیگری تسری داد. به عبارت بهتر، از منظر پوزیتیویسم تجربه یک کشور را بدون هرگونه دخل و تصرفی در کشور دیگری می‌توان اجرا کرد. حال آنکه طبیعیون، یونیورسال‌انگاری فکت‌ها را در لایه فرازین و فراتر از تجربه بشری در نظر می‌گیرند. لذا منبع و منشأ فکت‌ها نزد آنها متفاوت است. به علاوه، پوزیتیویست‌ها فکت‌ها را در رفتار انسانی و خود انسان جستجو می‌کنند، حال آنکه طبیعت‌گرایان فکت‌های یونیورسال را در لایه‌های دیگر و در طبیعت جستجو می‌کنند.

⁶ علی‌اصغر کاظمی، *متدولوژی حقوق بین‌الملل*، چاپ اول (تهران: قومس، ۱۳۹۴) صص ۸۰-۷۵.

⁷ Auguste Comte, *a General View of Positivism*, Translated by JH Bridges, (Trübner & Company, 1865), P 62.

⁸ برخی آن را نیو-پوزیتیویسم نیز یاد می‌کنند.

شد.^۱ در بازیافت پوزیتویسم، حلقه وین (در سال‌های پس از ۱۹۲۱) نقش بسیار جدی ایفا نمود. مهمترین متفکران این حلقه، افرادی چون رودولف کرناپ^۲، آلفرد ایر^۳ و هانس ریژن-باخ^۴ بود^۵ و پوزیتویست‌های منطقی وظیفه اصلی خود را در علمی کردن فلسفه دیده و می‌گفتند که مسأله‌مندی فلسفه کلاسیک در جهان معاصر بررسی و تدقیق شود. هر چند راسل قبل از این حلقه، گفته بود که فلسفه باید دقیق‌تر و علمی‌تر از سایر علوم باشد.^۶

نکته پایانی اینکه، تحولات قرن بیستم، بویژه نیمه نخست آن، موجب وارد شدن نقدهای جدی به پوزیتویسم گردید به صورتی که پوزیتویسم کلاسیک و پوزیتویسم منطقی وسیعاً نقد شد و بسیاری از اصول آن کنار گذاشته شد.^۸ در ادامه پوزیتویسم حقوقی نیز توسط دانشمندانی چون رونالد دورکین^۹، لان فولر و جوزف رز^{۱۰} نقد شده است. دورکین از متفکران پوزیتویستی همچون پروفیسور هارت^{۱۱} نقد نموده و تأکید می‌کند که آنچه را که جدایی اخلاق با قانون نام نهاده‌اند در جهان معاصر بی معنی بوده و در میان این مفاهیم ارتباط معنی داری وجود دارد.^{۱۲} با آنکه پوزیتویسم حقوقی از مناظر مختلف نقد شده و اما مهمترین حُسن پوزیتویسم حقوقی این بوده است که حقوق را از دایره بایدها بیرون نموده و در دایره هست‌ها قرار می‌دهد.^{۱۴} شاید به همین دلیل است که تا به امروز در دفاع از

^۱ Boeselager, op. cit. at 12-13.

^۲ Rudolf Camap

^۳ Alfred Ayer

^۴ Hans Reichenbach

^۵ صادق زیباکلام، «پیوند نامبارک پوزیتویسم با اندیشه سیاسی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال هشتم، شماره ۳۰، (۱۳۸۱)، ص ۴.

^۶ Boeselager, op. cit. at 14.

^۷ Miller, op. cit. at 50.

^۸ Ibid. at 57.

^۹ Ronald Dworkin

^{۱۰} Joseph Raz

^{۱۱} H.L.A. Hart

^{۱۲} Herbert Lionel Adolphus Hart, "Positivism and the Separation of Law and Morals" Harv. L. Rev., 71, (1957), P 593.

^{۱۳} Wilfrid Joseph Waluchow, "the Many Faces of Legal Positivism" The University of Toronto Law Journal, 48(3), (1998), P 389.

^{۱۴} Tom Campbell, *Prescriptive Legal Positivism: Law, Rights and Democracy*, (Australia: Psychology Press, 2004), P 2.

پوزیتویسم آثاری نوشته می‌شود^{۲۱} این وضعیت به دو دلیل نباید کم اهمیت جلوه‌گر شود. نخست اینکه اینها نشان دادند حقوق در هر حال، استوانه‌های بیرونی نیز دارد که در مقام ارزیابی گزاره‌های انتزاعی نمی‌توان نسبت بدانها بی‌توجه بود. دوم اینکه هست‌محوری پوزیتویست‌ها در تشخیص‌بخشی به حقوق در برابر سایر معارف، تأثیر بسیار جدی داشته است.^۳

۲-۱) پوزیتویسم به مثابه پارادایم پژوهش

ریشه‌های دانش‌واژه پارادایم^۴ به یونان قدیم بر می‌گردد که در زبان فارسی مناسب‌ترین معادلش، الگوواره یا الگوی مسلط است. در متدلوژی پژوهش از واژه پارادایم برای توصیف «جهان‌بینی» پژوهشگر استفاده می‌شود. این جهان‌بینی چشم‌انداز یا تفکر یا مکتب فکری یا مجموعه‌ای از باورهای مشترکی است که معنا یا تفسیر داده‌های تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این شامل باورها و اصولی است که نحوه نگرش یک محقق به جهان را شکل داده و توضیح می‌دهد که پژوهشگران چگونه جهان را تفسیر و یا در آن عمل می‌کنند.^۵ اما در برداشت مدرن، مفهوم پارادایم برای نخستین بار توسط توماس کوهن^۶ (۱۹۶۲) برای توصیف «شیوه تفکر فلسفی» استفاده شد.^۸

¹ Karen Petroski, "Is Post-positivism Possible?" German Law Journal, 12(2), Pp 663-692, (2011), P 692.

² Matthew H. Kramer, *In Defense of Legal Positivism: Law without Trimmings*, (Oxford University Press, 2003).

^۳ مولائی، همان، ص ۳۷.

⁴ Paradigm

^۵ در تعریف دیگر: پارادایم‌ها را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از باورها تعریف نمود که چارچوب‌های نظری را برای هدف و انجام تحقیق فراهم می‌کنند.

⁶ Kivunja & Kuyini, op. cit. at 26.

⁷ Kuhn

⁸ Margarita Corry Sam Porter & Hugh McKenna, "The Redundancy of Positivism as a Paradigm for Nursing Research" Nursing Philosophy, 20(1), (2019), P 3.

پوزیتویسم به مثابه یک پارادایم پژوهشی در اوایل دهه ۱۸۰۰ مورد توجه قرار گرفت و تا اواسط قرن بیستم گفتمان مسلط علمی بود.^۱ در این پارادایم علمی، فرض بر این است که تنها راه دانستن تجربه، مراجعه به جامعه بوده و برای رسیدن به شناخت علمی، باید به داده‌های مشتق شده از آزمایش و مشاهدات مراجعه نمود. همچنین این نحله فکری شناخت بدون متدلوژی علمی را معرفت قابل تأیید ندانسته و علم نمی‌پندارد.^۲ مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهش‌های ذیل پارادایم پوزیتویسم به‌طور خلاصه از این قرار است:

- نخست؛ پژوهش‌هایی که ذیل پارادایم پوزیتویسم قرار دارند، فرآیند تحقیق را عینی و غیرارزشی فرض می‌کنند و تأکید می‌کنند که در تفسیرهای علمی باید بی‌طرفانه عمل شود. حتی علم را از انسان جدا فرض نموده و اثرات ارزش‌ها و پیش‌فرض‌ها را در ارائه نظریات علمی نادیده گرفته و نفی می‌کنند.^۴
- دوم؛ از نظر این نحله فکری، فرضیه یک ایده موقتی بوده که احتمال تأیید یا رد آن، مستلزم بررسی فرضیه است. فرضیه‌ها را می‌توان با استفاده از نمونه‌گیری، جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، آزمایش و قابلیت تکرار آن پیش‌بینی نمود. قابل تکرار بودن از این جهت مهم است که محققان می‌خواهند به این سوال پاسخ دهند که آیا در آینده استفاده از نتایج تحقیق ممکن است یا خیر!^۵

^۱ برای دیدن دسته‌بندی دیگر، از «کندی» و «آنگی» در ساحت حقوق بین‌الملل، ر.ک: درون‌پرور، امیر؛ عسکری، پوریا، «بررسی اندیشه‌های انتقادی مکتب جریان جدید در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۴، (۱۴۰۰)، صص ۱۴۰-۱۳۷.

^۲ حبیب ابراهیم‌پور و رضا تجاری، «مبانی فلسفی مطالعات سازمانی در چهار پارادایم»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۳، شماره ۵۳، (۱۳۸۶)، ص ۱۶.

^۳ McGregor, & Murnane, op. cit. at 420.

^۴ Ibid. at 421.

^۵ Ibid. at 421.

- سوم؛ پژوهش‌های پوزیتیویستی ذیل گزاره‌های رسمی (شکلی)^۱ انجام شده و با موضوعاتی چون اندازه‌گیری‌های کمی متغیرها، آزمون فرضیه‌ها و بررسی استنباطی نمونه‌ها در جامعه آماری مشخص می‌شود.^۲
- چهارم؛ پوزیتیویسم بر رهیافت علوم طبیعی استوار بوده و برای تحلیل فکت‌ها از روش‌های کمی استفاده می‌کند.^۳ حتی آن‌سان که طرفداران حقوق طبیعی مدرن عقل-گرا هستند^۴ پوزیتیویسم نیز به یک اعتبار از روش عقلی در فهم استفاده می‌کنند.
- نکته آخر اینکه از نظر پوزیتیویست‌ها تنها دو نوع گزاره معنی‌دار وجود دارد: یکی تجربی و دیگری منطقی، از این منظر، فلسفه قدیم به هیچ یک از این دو تعلق نداشته و در جهان معاصر موضوعیت ندارد. من باب مثال، مسایل متافیزیکی در فلسفه قدیم در جهان معاصر غیرمنطقی و غیرقابل طرح هستند.^۵

۳- پست-پوزیتیویسم^۶

ریشه نحله فکری پست-پوزیتیویسم^۷ را می‌توان در انتقادات حلقه وین جستجو کرد. نقطه آغاز شکل‌گیری پست-پوزیتیویسم، انتقاداتی است که پوزیتیویست‌های منطقی (۱۹۵۰) در برابر پوزیتیویست‌های کلاسیک مطرح نمودند.^۸ اما بعدها خود پوزیتیویست‌های منطقی نیز توسط متفکرانی چون پوپر نقد شدند. پوپر به درستی نشان داد که قریب به اتفاق همه گزاره‌های علمی را نمی‌توان تأیید نمود. از نظر او بهتر است که اثبات‌پذیری را جایگزین

^۱ Formal Propositions

^۲ Ned Kock, Michael J. Gallivan, & Dorrie DeLuca, "Furthering Information Systems Action Research: a Post-positivist Synthesis of Four Dialectics", *Journal of the Association for Information Systems*, 9(2), (2008), P 56.

^۳ Khairul Baharein Mohd Noor, "Case Study: a Strategic Research Methodology" *American Journal of Applied Sciences*, 5(11), (2008), P 1602.

^۴ محمد راسخ، «مدرنیته و حقوق دینی»، نامه مفید، شماره ۶۴، (۱۳۸۶)، ص ۱۴.

^۵ Boeselager, op. cit. at 15-16.

^۶ این نحله فکری باید در سطح متدلوژی تحقیق جستجو و مطرح شود.

^۷ در پست-پوزیتیویسم، فلسفه منطقی علم فرض شده و نظرات فلسفی را به تنهایی قابل تأیید نمی‌داند.

^۸ John H. Zammito, *A Nice Derangement of Epistemes: Post-positivism in the Study of Science from Quine to Latour*, (Chicago: University of Chicago Press, 2004), P 3.

ابطال‌پذیری کنیم.^۱ کارل پوپر^۲ و توماس کوهن^۳ (در اوایل دهه ۱۹۶۰) به‌عنوان مهمترین منتقدان پوزیتویسم ادعا نمودند که متدلوژی پوزیتویستی در موضوع دست‌یابی به شناخت، علمی نبوده و برای رسیدن به واقعیت‌ها باید رویکرد غیر-پوزیتویستی پی‌ریزی شود. در نتیجه انتقادات آنها و دیگر منتقدان، پوزیتویسم کلاسیک در مجامع علمی اهمیت خود را از دست داده و پارادایم‌های دیگری ظهور کرد تا بدین وسیله محوریت پوزیتویسم از بین برود.^۴ برای نمونه در ساحت حقوق بین‌الملل، مکتب «جریان جدید» ظهور پیدا کرده است که در درون «جنبش مطالعات انتقادی حقوق» قرار می‌گیرد. جنبش اخیر، نه تنها در امر شکلی و روش‌شناختی با پوزیتویست‌ها به معارضة برخاستند بلکه در خصوص امور مربوط به ویژگی‌های ذاتی که پوزیتویست‌ها برای قانون، نظیر «مفید قطعیت بودن» را در نظر می‌گیرند رانفی کردند.^۵ با این حال گفته می‌شود «جنبش مطالعات انتقادی حقوق»، فاقد روش‌شناسی روشن و مشخصی است.^۶

پست-پوزیتویسم با پوزیتویسم تفاوت‌های زیادی دارد که ذیلاً به‌طور خلاصه به مهمترین آنها پرداخته می‌شود:

➤ یکی از اصول اساسی پوزیتویسم، جدایی مشاهده/تجربه از تئوری‌ها می‌باشد. حال آنکه پست-پوزیتویست‌ها چنین تفاوتی را نپذیرفته و تأکید می‌کنند که مشاهدات مستقل از تئوری‌ها نبوده و نیستند.^۷ البته پست-پوزیتویست‌ها نیز در خط انتقادی پوزیتویسم قرار گرفته و مقدمات این نحله فکری-انتقادی را حتی در آرای

^۱ Boeselager, op. cit. at 19.

^۲ Karl Popper

^۳ Thomas Kuhn

^۴ هرچند این نحله فکری ذیل انتقادات وارده در مجامع علمی کنار گذاشته شد، اما چارچوب علوم معاصر را متأثر نمود.

^۵ McGregor, & Murnane, op. cit. at 420.

^۶ محمد راسخ، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۱، (۱۳۸۵)، ص ۲۴.

^۷ درون‌پرور؛ عسکری، پیشین، ص ۱۲۵.

^۸ هر چیزی که فرد مشاهده می‌کند از طریق درک قبلی از نظریه‌ها و مفاهیم دیگر تفسیر می‌شود.

^۹ Theory-Ladenness of Observation.

فردریش نیچه نیز می‌توان دریافت. نیچه می‌گفت: «واقعیت‌ها دقیقاً همان چیزی هستند که وجود ندارند و فقط تفسیرهای متفکران هستند».^۱

➤ تأکید به فهم درست و دقیق از افراد به عنوان توضیح دهنده تئوری‌ها؛ به این معنی که پست-پوزیتیویست‌ها به اثرگذاری پژوهشگران در مطالعات علمی تأکید نموده و خنثی بودن تئوری‌ها را نفی می‌کنند. حال آنکه در پوزیتیویسم عکس این ادعا مصداق دارد.^۲

➤ یکی دیگر از تفاوت‌ها میان پوزیتیویسم و پست-پوزیتیویسم، تمایز بین کانتکت رسیدن به حقیقت^۳ و زمینه‌موجه‌سازی^۴ است.^۵ به این معنی که در پوزیتیویسم، علم، جهانی فرض شده و کانتکت رسیدن به یک واقعیت علمی جدی گرفته نمی‌شود. در حالیکه در پست-پوزیتیویسم چنین نیست، پست-پوزیتیویست‌ها بدین باورند که بسترها و توصیف‌های مربوط به واقعیت‌های علمی در ذات شناخت علمی حاصل-شده موثر است.^۶ از نظر جان زمیتو^۷ مهمترین تفاوت پوزیتیویسم با پست-پوزیتیویسم تمایز زمینه‌های دستیابی به شناخت علمی بوده و آن نقطه گسست آنها می‌باشد.^۸

➤ از منظر پست-پوزیتیویسم هیچ واقعیتی مطلق نیست و نمی‌تواند عاری از ارزش‌های اجتماعی باشد، حال آنکه در پوزیتیویسم فکت‌ها جهانی و عاری از ارزش فرض می‌شوند.^۹

➤ پست-پوزیتیویست‌ها، پوزیتیویسم را به عنوان تنها راه رسیدن به شناخت علمی نمی‌دانند.^{۱۰} حال آنکه پوزیتیویسم در این زمینه رویکرد دگماتیک دارد.

¹ Zammito, op. cit. at 10.

² Philip Allmendinger, "Towards a Post-positivist: Typology of Planning Theory", SAGE Publications. Vol 1(1): 77-99, (2002), P 87.

³ Context of Discovery

⁴ Context of Justification

⁵ 12. op. cit. at Zammito,

⁶ Allmendinger, op. cit. at P 87.

⁷ John H. Zammito

⁸ Zammito, op. cit. at 12.

⁹ Miller, op. cit. at 61.

¹⁰ McGregor, & Murnane, op. cit. at 420.

➤ نکته آخر اینکه پذیرش پست-پوزیتویسم به مثابه پارادایم پژوهش، باعث می‌شود تا پهنای معرفت وسیع‌تر شده و موضوعات بیشتری به عنوان معرفت علمی پذیرفته شود. حال آنکه در پوزیتویسم تنها معرفت: تجربه‌بنیان و آماری معرفت قابل تأیید دانسته می‌شود.^۱

۳-۱) پست-پوزیتویسم به مثابه پارادایم پژوهش

رویکرد پست-پوزیتویستی برای پژوهشگران کمک می‌کند تا آنها از تفکرات خطی بیرون آمده و تنوع شناخت را به عنوان یک اصل علمی بپذیرند. همچنین آنها به نقش تفسیرها و اجرایی نمودن تئوری‌ها اهمیت ویژه‌ای قایل می‌شوند.^۲ پژوهش‌های ذیل پارادایم پست-پوزیتویسم می‌تواند هم کمی باشد و هم کیفی، در تحقیقات پست-پوزیتویستی کیفی تلاش می‌شود تا آنچه در حال انجام است و یا ارزش‌های حاکم در جامعه بیان شود. همچنین، این نوع تحقیقات با به تصویر کشیدن شرایط زمانی، فرهنگی یا مکانی می‌خواهند بازتولید آن اعمال در کنش و واکنش افراد را پیش‌بینی کند.^۳

برخی از مهمترین ویژگی‌های پژوهش‌های ذیل پارادایم پست-پوزیتویسم، به قرار زیر است:

➤ از منظر پارادایم پست-پوزیتویسم، پژوهش نمی‌تواند به دور از ارزش‌ها و یا بی-طرفانه فرض شود. در نتیجه، برای دستیابی به شناخت علمی، ارزش‌ها و پشتوانه‌های ذهنی پژوهشگران مورد توجه قرار گیرد. به عبارت بهتر، برخلاف پارادایم پوزیتویسم، در پست-پوزیتویسم چگونگی ثبت و انجام مطالعه بسیار مهم است. این در حالیست که پوزیتویست‌ها صرفاً به روایی و پایایی تأکید نموده و به جنبه‌های ذهنی توجه آنچنانی نمی‌کنند. در چارچوب پارادایم پست-پوزیتویستی،

¹ Anne B Ryan, Post-Positivist Approaches to Research, In: Researching and Writing your Thesis: a Guide for Postgraduate Students, (Ireland: Maynooth Adult and Community Education, 2006), P 12.

² Allmendinger, op. cit. at 77.

³ McGregor & Murnane, op. cit. at 421.

- مطالعه‌ای قابل اعتماد است که خواننده بتواند از رویدادها و اثرات محقق، تحلیل درستی داشته باشد.^۱
- دانش نمی‌تواند از افراد و یا ارائه‌کنندگان آن جدا فرض شود به این معنی که در پارادایم پست-پوزیتویستی چنین فرض می‌شود که دشوار است که پژوهشگران و جامعه مورد مطالعه بی‌طرف بمانند.^۲
- متدلوزی و مُتد زمانمند هستند و جهانی نیستند،^۴ به این معنی که تئوری‌ها از ارزش‌های اجتماعی متأثر بوده و باید در کانتکست تاریخ و جوامع مورد مطالعه قرار بگیرند. پست پوزیتویسم ضمن پذیرش تاریخ به عنوان شناخت زمینه‌ای، قابلیت تعمیم شناخت را برای آینده به چالش می‌کشد.^۵
- از منظر پست-پوزیتویسم، میان تئوری و تجربه رابطه پیچیده و اما معناداری وجود دارد.^۷
- پژوهش‌های پست-پوزیتویستی جزءنگری و کثرت‌گرایی را اصل دانسته و به انحصار حقیقت/واقعیت تأکید نمی‌کنند.^۸
- از منظر پست-پوزیتویسم نباید تئوری به مشاهده تقلیل داده شود بلکه مسیرهای گوناگونی برای شناخت قابل تصور است. بدیهی است که در اینجا فرض بر این است که روش‌های مختلف دارای وزن همسان و همعرض هستند.
- از منظر پست-پوزیتویسم، مشاهدات علمی از تئوری‌ها مستقل و یا خنثی نیستند. در نتیجه، در این دیدگاه با پدیده همنشینی نظر و عمل مواجه هستیم. در چنین فضایی، این دو نه رقیب یا نقیض هم بلکه مکمل و هم‌افزا هستند.

¹ Ibid. at 422.

² Ibid. at 422.

³ 14. op. cit. at Zammito,

⁴ Ibid. at 14.

⁵ Inanna, op. cit. at 8.

⁶ Allmendinger, op. cit. at 89.

⁷ Ibid. at 89.

⁸ Miller, op. cit. at 57.

➤ از منظر پست-پوزیتویسم فکت‌ها از تئوری متأثراند. بنابراین، سوژه‌ها بر ابژه‌ها تأثیر می‌گذارند.

➤ از منظر پست-پوزیتویسم دانش نمی‌تواند جدای از جامعه فرض شود.^۱

۴- دانش حقوق عمومی در دامان نحله فکری پست-پوزیتویسم

جدال پوزیتویسم با حقوق طبیعی یکی از مسایل بسیار مهم دانش حقوق عمومی می‌باشد. در واقع پوزیتویسم حقوقی در مقابل حقوق طبیعی قرار گرفته و قانون وضعی را تنها منبع حقوق می‌داند.^۲ این جدال نظری اثر بسیار مهم در تکوین و تکامل دانش حقوق داشته است و بازخورد آن، چارچوب کلی دانش حقوق را شکل داده است. حالا سوال این است که آیا پست-پوزیتویسم نیز همچون پوزیتویسم در دانش حقوق تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ پاسخ روشن است، پارادایم پست-پوزیتویسم در بحث شناخت علمی حرف‌های جدی دارد و بی‌شک دانش حقوق عمومی نیز از آن متأثر بوده است. ناگفته نماند که هرچند نقدهای بسیاری به پوزیتویسم وارد شده است، با این حال، این نحله فکری کماکان به عنوان پارادایم پژوهشی در تحقیقات علمی لحاظ می‌شود. حتی برخی هنوز ادعای پست-پوزیتویسم به مثابه پارادایم و یا مدل پژوهش را منتفی می‌دانند.^۳ اما در مقابل برخی دیگر بر این باورند که پست-پوزیتویسم به مثابه نحله فکری وارد تعامل با حقوق شده و مطالعات حقوقی را متأثر نموده است. من باب مثال رایان توماس ساچلی^۴ در رسال دکتری خود مدعی است که رویکرد پست-پوزیتویستی در دانش حقوق به طور عام و در مفهوم قانون به طور خاص، این امکان را در اختیار ما قرار می‌دهد که از یک سو، اهمیت قانون را حفظ کنیم و اما از سوی دیگر هنجارهای رقیب قانون را نیز (بدون اینکه همدیگر را نفی کنند) بپذیریم.^۵ به این معنی که پوزیتویسم به مفهوم قانون اهمیت ویژه‌ای قایل بوده و از منظر پوزیتویست‌ها مفهوم

¹ Zammito, op. cit. at 14.

² Boeselager, op. cit. at 4.

³ Anne B Ryan, op. cit. at 17-18.

⁴ Ryan Thomas Sauchelli

⁵ Ryan Thomas Sauchelli, *Normativity in Law after Positivism*, (Irvine: University of California, 2016), P IX.

قانون وضعی دانش حقوق را به منصفه ظهور می‌رساند. حال آنکه نحله‌های رقیب پوزیتویسم به هنجارهای بنیادینی تأکید می‌کنند که به نحوی رقیب قوانین وضعی فرض می‌شوند. از نظر ساچلی با پیروی از پست-پوزیتویسم می‌توان هارمونی معناداری میان قوانین وضعی و هنجارهای رقیب قانون برقرار نمود، به نحوی که همدیگر را نفی نکنند.

نکته قابل ذکر این است که برخی چنان فرض می‌کنند که حقوق پوزیتویستی، با ورود بشر به مدرنیته مطرح شده است. اما آن‌سان که در بالا آمد؛ نکته اینجاست که حقوق پوزیتویستی در دل تاریخ ریشه دارد. برای مثال، رایان توماس در رساله دکتری خود می‌گوید: «از منظر تاریخ تحول مفاهیم، اصلاحات حقوقی سولون در قوانین آتن (قرن ۶ قبل از میلاد) یکی از نخستین مصداق‌هایی از قوانین پوزیتویستی است. همچنین در قرن پنجم قبل از میلاد، الواح دوازده گانه رُم نیز از منظر ریشه شناسی مفاهیم، قانون پوزیتویستی بود که در لاتینی بنام *Ius Positum* یاد می‌شد.^۱ حقوق پوزیتویستی دارای دو ویژگی اساسی می‌باشد: ۱- قوانین پوزیتویستی از قراردادهای اجتماعی منشأ می‌گیرد، ۲- قوانین پوزیتویستی توسط یک مقام حاکم حمایت و پشتیبانی می‌شوند.^۲ حتی سوفسطائیان در برابر فلاسفه چون سقراط و افلاطون رویکرد پوزیتویستی داشتند. چون آنها نیز انسان را در مقام خالق حق و تکلیف قرار می‌دادند.

شایسته یادآوری است که پست پوزیتویسم به مثابه پارادایم پژوهش و رهیافت پژوهشی در رشته‌های دیگری نیز بررسی شده است، حتی پایان‌نامه‌هایی در زمینه بررسی چگونگی این تعامل به رشته تحریر در آمده است.^۳

اینجا برخی از اثرات نحله فکری-فلسفی پست-پوزیتویسم ذیلاً خلاصه می‌شود:

➤ مهمترین اثر تعامل نحله فکری چون پست-پوزیتویسم با حقوق عمومی این است که پژوهشگران این رشته قادر می‌شوند تا برای خود اپیستمولوژی یا فضای فکری مشخصی تعریف نموده و موضوعات را در قالب آن درک کنند.^۴ اپیستمولوژی

¹ Ibid. at 7.

² Ibid. at 8-9.

³ Terry O'Callaghan, *Post-positivism in International Political Theory Relativist or Revivalist?* (Doctoral Dissertation, University of British Columbia, 1992), P 1.

⁴ Anne B Ryan, op. cit. at 18.

بررسی چگونگی دست‌یابی به شناخت علمی می‌باشد. به بیان دیگر، اپیستمولوژی به درک این موضوع کمک می‌کند که انسان با چه پیش‌فرض‌هایی، فرض می‌کند که مسأله‌ای را می‌داند. این بحث به ماهیت دانش مربوط شده و به این موضوع می‌پردازد که چه چیزی معرفت معتبر را تشکیل می‌دهد؟، چه چیزی را می‌توان شناخت؟ و چه کسی می‌تواند فرد دانا تلقی شود؟^۱ پژوهش حقوقی شایسته می‌طلبد که پژوهشگران در نوشته‌های خود بخشی را به روش‌شناسی^۲ اختصاص داده و توضیح دهد که در رسیدن به نتیجه پژوهش، از کدام پارادایم تبعیت نموده و از کدام اپیستمولوژی فکری متأثراند.^۳ در این راستا می‌توان گفت، اپیستمولوژی به دانش حقوق عمومی در زمان، ظرفیت معنایی می‌بخشد. بدین گونه که با ترسیم فضای معرفت‌شناختی، صورت‌بندی دانایی را در درون حقوق عمومی امکان‌پذیر می‌سازد.

➤ اثر دیگری که پست-پوزیتویسم می‌تواند داشته باشد این است که پژوهشگران رشته حقوق عمومی قادر می‌شوند تا میان تئوری و تجربه ارتباط معنادار برقرار نمایند.^۴

➤ اثر دیگر پست-پوزیتویسم برای حقوق عمومی ارزش‌دهی به مسأله‌سازی می‌باشد. مراد این است که در پژوهش‌های پوزیتیویستی، پژوهشگر صرفاً به دنبال حل مسایل است؛ حال آنکه در نگاه پست-پوزیتیویستی، طرح مسأله نیز بخشی از معرفت علمی پنداشته می‌شود. محققان پست-پوزیتیویست خود را صرفاً حل‌کننده مشکلات و یا بررسی‌کننده توصیفی مسایل نمی‌دانند، بلکه پژوهش علمی از منظر این نحله فکری می‌تواند هم به سؤالات پاسخ دهد و هم می‌تواند در مورد طرح مسأله علمی

¹ Ibid. at 15.

² جدا از روش پژوهش

³ McGregor, & Murnane, op. cit. at P 424.

⁴ Anne B Ryan, op. cit. at 18.

- باشد. به عبارت بهتر، در پژوهش‌های پست-پوزیتیویستی، پژوهشگر می‌تواند صرفاً به دنبال سؤالات درست و جدی باشد.^۱
- نکته مهم دیگر در حقوق عمومی، تجربی بودن آن و توسعه آن توسط تمرین قدرت می‌باشد. در نحله پست-پوزیتیویسم اعتبار حقوقی اصل پنداشته شده و آن را با تجربه بشر پیوند می‌دهد. به این معنی که پست-پوزیتیویست‌ها تلاش می‌کنند تا اعتبار هنجارهای حقوقی را از اجرای آن به دست آورند، نه از خود قانون. حاصل چنین رویکردی، نادرست انگاری ادعای درست بودن قانون و جستجوی مشکل در بی‌راهه کشاندن مجریان خواهد بود، از این منظر مشکلی در ذات قانون وجود دارد که اجرایی نشده و یا به مشکل برخورد کرده است.^۲
- حقوق عمومی به مثابه یکی از شاخه‌های علوم انسانی به نگاه بومی نیاز جدی دارد. پست-پوزیتیویسم به مثابه یک پارادایم پژوهشی، پژوهشگران را قادر می‌سازد تا به شناخت علمی (حقیقت)، نگاه جهانی نداشته و مسایل اجتماعی را در جوامع مختلف به شکل بومی مطالعه کنند.^۳ از اینجاست که مفهوم حقیقت رنگ و بوی دیگری پیدا می‌کند. در نتیجه، گزاره حقایق حقوقی نیز آستان تحولات می‌شود.
- حقوق عمومی شدیداً تحت تأثیر قدرت و ارزش‌های حاکم در جامعه قرار دارد. یکی از موضوعات اصلی پست-پوزیتیویسم اثر گذاری موضوعاتی چون گفتمان‌ها، قدرت، ارزش‌ها و محدودیت‌های پژوهش در شناخت علمی می‌باشد.^۴
- رهیافت پژوهشی پست-پوزیتیویسم به کثرت گرایی متدلوژی تأکید می‌کند. به این معنی که انتخاب روش پژوهش، تابع مسائل علمی طرح شده می‌باشد.^۵

¹ Ibid. at 19.

² Sauchelli, R. T, op. cit. at 38-39.

³ ابراهیم برزگر، «رهیافت بومی سازی علوم انسانی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۳، (۱۳۸۹)، ص ۳۵.

⁴ Anne B Ryan, op. cit. at 19.

⁵ Ibid. at 22.

⁶ Hadiya Habib, "Positivism and Post-positivistic Approaches to Research", UGC Care Journal, Vol 31, Issue 17, (2020), P 1003.

➤ برداشت پوزیتویستی از قانون نمی‌تواند به جایگاه آرای قضایی در فرآیند تولید و توسعه دانش حقوق پاسخ روشنی ارائه دهد. پست-پوزیتویسم برای هنجارهای غیرپوزیتویستی جایگاه و یا موقعیت حقوقی مشخصی را تعریف نموده و بسیاری از پرسش‌های دست و پا گیر پوزیتویسم را پاسخ می‌دهد.^۱

نتیجه‌گیری

حقوق عمومی به مثابه یکی از رشته‌های در حال توسعه در جامعه علمی فارسی زبان، به بررسی مسایل در لایه مبانی و فلسفی نیاز جدی دارد. تا زمانیکه متفکران این رشته پایه‌های فکری و متدلوژیک این رشته را حل‌جایی نکنند، نتیجه گرفتن در مسایل تجربی ناممکن به نظر می‌رسد. با درک این مهم، در این مقاله تلاش شد تا پیشا-روش بودن متدلوژی بررسی و ذیل آن ظرفیت پست-پوزیتویسم در ارائه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی به بحث گذاشته شود.

آن‌سان که دیدیم نحله‌های فکری-فلسفی به مثابه پارادایم پژوهش عمل نموده و افق روشنی در راستای رسیدن به شناخت علمی ترسیم می‌کنند. این مسأله از دو جهت برای علوم انسانی مهم است: نخست اینکه هر شناختی را نمی‌توان شناخت علمی تلقی نمود. صرفاً معرفتی اعتبار علمی دارد که از عینک مکاتب فلسفی به آن نگاه شده و پژوهشگر در مباحث متدلوژیک، تکلیف خود را با پارادایم‌های پژوهش مشخص نموده باشد. ثانیاً ما در عصری زندگی می‌کنیم که بسیاری از مفاهیم جامعه علمی ما ماهیت علمی ندارند و در بهترین حالت در دایره شبه‌علم می‌گنجند. به نظر می‌رسد نگاه از دیدگاه مکاتب فلسفی، سنجه خوبی برای تشخیص علم از شبه‌علم در دانش حقوق عمومی باشد.

در لایه نظر، پست-پوزیتویسم پاسخی است به انتقادات وارده به پوزیتویسم، در واقع متفکران این نحله فکری کوشش می‌کنند تا ذیل انتقادات وارده، نسخه‌ای را ارائه نمایند که با واقعیت‌های عصر حاضر سازگاری داشته باشد. این نحله فکری در دل مباحث متدلوژیک به مثابه پارادایم پژوهش عمل نموده و روش تحقیق را معنی‌دار و نظام‌مند می‌سازد.

^۱ Sauchelli, op. cit. at IX.

بر مبنای یافته‌های این مقاله، پست-پوزیتویسم به مثابه یک رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی قابل تعمیم است. نگاه به حقوق عمومی از عینک پست-پوزیتویسم باعث می‌شود تا امکان نگاه بومی و تجربی به مفاهیم به مثابه یک اصل پذیرفته شود. همچنین این نحله فکری، پژوهشگران حقوق عمومی را قادر می‌سازد تا در عوض استفاده از تکنیک‌های آماری به روش تحقیق توصیفی و تاریخی (به مثابه شناخت زمینه‌ای) تمسک بجویند. خلاصه اینکه فضای فکری مکتب پست-پوزیتویستی، پژوهشگران حقوق عمومی را برای انطباق با شرایط و عدم نگاه جزیره‌ای به مفاهیم و واقعیت‌ها آماده می‌کند.

آنچه که در پایان شایسته گفتن است این است که پست-پوزیتویسم از ظرفیت‌های معرفت پست-مدرنیسم، دست کم در برخی زمینه‌ها، نظیر کثرت‌گرایی روش‌شناختی، علیه پوزیتویسم بهره‌برداری می‌کند که پرداختن بدان نیازمند تحقیق مستقلی است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

منابع

- ابراهیم پور، حبیب؛ رضا، تجاری، «مبانی فلسفی مطالعات سازمانی در چهار پارادایم»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۳، شماره ۵۳، (۱۳۸۶).
- افتخاری، اصغر، «روش‌شناسی اثباتی در مطالعات امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، (۱۳۸۲).
- برزگر، ابراهیم، «رهیافت بومی سازی علوم انسانی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۳، (۱۳۸۹).
- چاپرک، علی؛ قانع‌راد، سید محمد امین؛ ذوالفقارزاده، محمد مهدی، «معرفی چارچوبی جدید برای معرفت‌شناسی آینده پژوهی: معرفت‌شناسی اجتماعی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، دوره ۱۲ شماره 48، (۱۳۹۸).
- درون‌پرور، امیر؛ عسکری، پوریا، «بررسی اندیشه‌های انتقادی مکتب جریان جدید در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۴، (۱۴۰۰).

- راسخ، محمد، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۱، (۱۳۸۵).
- راسخ، محمد، «مدرنیته و حقوق دینی»، نامه مفید، شماره ۶۴، (۱۳۸۶).
- زیباکلام، صادق، «پیوند نامبارک پوزیتویسم با اندیشه سیاسی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال هشتم، شماره ۳۰، (۱۳۸۱).
- کاظمی، علی اصغر، *متدولوژی حقوق بین‌الملل*، چاپ اول (تهران: قومس، ۱۳۹۴)
- شهبازی، آرامش، *فلسفه حقوق بین‌الملل*، دفتر یکم: پوزیتویسم، چاپ اول (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۵).
- طیب، علیرضا، «چرخش به سوی پست-پوزیتویسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۲، (۱۳۸۱).
- مولائی، آیت، جزوه درس بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی، مقطع دکتری رشته حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، (۱۴۰۰).
- ناجی، سعید، «نقدی بر آموزش روش تحقیق در نظام آموزشی کشور»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، (۱۳۸۵).

References

Books

- Antonesa, Mary; Fallon, Helen; Ryan, Anne B; Walsh, Tony, *Post-Positivist Approaches to Research*, In: *Researching and Writing your Thesis: a Guide for Postgraduate Students*, (Ireland: Maynooth Adult and Community Education, 2006).
- Boeselager, Wolfhard F, *The Soviet Critique of Neopositivism*. In *The Soviet Critique of Neopositivism*, (Eds) J. M. Bochenski, (Dordrecht: Springer, 1975).
- Campbell, Tom, *Prescriptive Legal Positivism: Law, Rights and Democracy*, (Australia: Psychology Press, 2004).
- Comte, Auguste, *A General View of Positivism*, Translated by JH Bridges, (Trübner & Company, 1865).

- Kramer, Matthew. H, *In Defense of Legal Positivism: Law without Trimmings*, (Oxford University Press, 2003).
- Kazemi, Ali Asghar, *Methodology of International Law*, First Edition (Tehran: Qomes, 2014). [In Persian]
- Mulaee, Ayat, Booklet "Analytical Study of Philosophical and Theological Schools in Public Law," phd. Degree in Public Law, University of Tabriz, (1400).
- O'Callaghan, Terry, *Post-positivism in International Political Theory Relativist or Revivalist?* (Doctoral dissertation, University of British Columbia, 1992).
- Sauchelli, Ryan Thomas, *Normativity in Law after Positivism*, (Irvine: University of California, 2016)
- Shahbazi, Aramesh, *Philosophy of International Law*, (Tehran: Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute, 2016). [In Persian]
- Zammito, John, H. *A Nice Derangement of Epistemes: Post-positivism in the Study of Science from Quine to Latour*, (Chicago: University of Chicago Press, 2004)

Articles:

- Allmendinger, Philip, "Towards a Post-positivist: Typology of Planning Theory", SAGE Publications. Vol. 1(1): 77-99, (2002).
- Barzgar, Ebrahimi, the Approach of Humanities Localization, Methodology of Social Sciences and Humanities, Vol. 16, Issue 63 (2010). [In Persian]
- Chaparak, Ali; Ghaneirad, Seyed Mohammad Amin & Zolfagharzadeh, Mohammad Mahdi, "Introducing a New Framework for Epistemology of Futures Studies: Social Epistemology; Through Reviewing Wandell Bell's Viewpoints", Rahbord Farhang, Vol. 12, issue 48, (1398). [In Persian]
- Chilisa, Bagele & Kawulich, Barbara, "Selecting a Research Approach: Paradigm, Methodology and Methods" *Doing Social Research: A Global Context*, 5(1), 51-61, (2012).
- Corry, Margarita, Porter, Sam & McKenna, Hugh, "The Redundancy of Positivism as a Paradigm for Nursing Research" *Nursing Philosophy*, 20(1), (2019).

- Darounparvar, Amir; Askary, Pouria, "Studying the Critical Thoughts of the New Stream School in International Law", *Intrnational Law Review*, 38(64), (2021). [In Persian]
- Ebrahimpour, Habib, & Reza, Najari, *The Philosophical Basis of Organizational Studies in the Four Paradigms, Methodology of Social Sciences and Humanities*, Vol 13, Issue 53 (2006). [In Persian]
- Eftekhary, Asghar, *Positivist Methodology in Security Studies, Journal of Strategic Studies*, Vol. 6, Issue 19, (2003). [In Persian]
- Fox, Nick, "Post-positivism", *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods 2*, Pp. 659-66, (2008).
- Habib, Hadiya, "Positivism and Post-positivistic Approaches to Research", *UGC Care Journal*, Vol. 31, Issue 17, (2020).
- Hamati-Ataya, Inanna, "Beyond Post/Positivism: The Missed Promises of Systemic Pragmatism", *International Studies Quarterly*, 56(2), Pp 291-305, (2012).
- Hart, Herbert. L. A, "Positivism and the Separation of Law and Morals" *Harv. L. Rev.*, 71, (1957).
- Kivunja, Charles., & Kuyini, Ahmed Bawa, "Understanding and Applying Research Paradigms in Educational Contexts", *International Journal of Higher Education*, 6(5), Pp. 26-41, (2017).
- Kock, Ned, Gallivan, Michael J. & DeLuca N., Dorrie, "Furthering Information Systems Action Research: a Post-positivist Synthesis of Four Dialectics", *Journal of the Association for Information Systems*, 9(2), (2008).
- McGregor, Sue. L. T, & Murnane Jennifer A, "Paradigm, Methodology and Method: Intellectual Integrity in Consumer Scholarship", *International Journal of Consumer Studies*, 34(4), Pp 419-427, (2010).
- Miller, Katherine, "Common Ground from the Post-positivist Perspective. *Perspectives on Organizational Communication: Finding Common Ground*", Pp 46-67, (2000).
- Noor, Khairul Baharein Mohd, "Case Study: a Strategic Research Methodology" *American Journal of Applied Sciences*, 5(11), Pp. 1602-1604, (2008).
- Naji, Saeed, *Reviewing the Teaching of Methodology in Iran's Educational System, Methodology of Social Sciences and Humanities*, Vol. 12, Issue 47, (2006). [In Persian]

- Petroski, Karen, "Is post-positivism possible?" German Law Journal, 12(2), Pp. 663-692, (2011).
- Rasakh, Mohammad, "Modernity and Religious Rights", Nama Mofid, No. 64, (2016). [In Persian]
- Rasakh, Mohammad, "Intrinsic and Transverse Features of Law", Majles and Research Quarterly, Year 13, Number 51, (2015). [In Persian]
- Tayeb, Alireza, "Turning to post-positivism", Journal of Strategic Studies, Vol. 5, Issue 16, (2002). [In Persian]
- Zibakalam, Sadeq, the Unfortunate Bond between Positivism and Political Thought, Methodology of Social Sciences and Humanities Vol. 8, Issue 30, (2002). [In Persian]
- Waluchow, Wilfrid Joseph, "the Many Faces of Legal Positivism" The University of Toronto Law Journal, 48(3), Pp. 387-449, (1998).